نیروی دموکراتیك خلق افغانستان با ایمان راسخ و شجاعت کامل اعلام میدارد که تمام نیروهای صدیق ملی و دموکراتیك، ترقیخواه ووطنپرست افغانستان میتوانند:

بدون غروروبلند پیروازی‌شخصی، رهبری ، سازمانی وایدئولوژیکی ؛
باموقف آزاد و مستقل‌ملی‌وبدون دنباله روی و اشاره ودستوراین‌وآن نیروی ارتجا ع داخلی و خار جی‌وطرفگیری ضد ملی ؛
به شیوهٔ جرگه های ملی ، ولسی ووطنی ؛
بر اساس مصالح عالیه ملی‌وتوده های وسیع‌خلق مادر وطن عزیز ماافغانستان واحد ، آزاد و مستقل ؛
در چوکات اخلاق عالیه ملـی‌مترقی ؛
بخاطر استقلال‌ملی ، دموکراسی، ترقی ، آزادی وعدالت اجتماعی ؛
از طریق دریافت وجوه مشتر ك‌وتکیه بالای آن ؛
بوسیلهٔ طرح برنامهٔ عمل فـوری وحداقل مشترك و پیکار عادلا نـهٔ‌مشترك ؛
وبالاخره با وحدت عمل ضد‌ارتجاع ، ضداستبداد ، ضداستعمارکهن ونوین و ضد امپریالیزم ، بـه بحران افتراق و نفاق در میان خود خاتمه دهـند ووحـدت و اتحاد را تامین نمایند .

پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیك خلق افغانستان

شماره چهل و سوم دوشنبه ۲۳ جدی ۱۳٤۷ ۱۳ جنوری ۱۹۶۹

کشتمند

وضع تاسف آور تولید غله و پنبه درکشور

زراعت بمثابه یکـی از شعب کلیدی تولید مادی نقش بزرگی رادر رشد تولید در ساحه های دیگـر اقتصاد و رفاه مردم ایفاء مینماید ، زیرا در مرحلهٔ کنونی تکامل علمی وتکنیکی ، زراعت (که مالداری نیز شامل آن میباشد) عملا یگانه منبع تولید مواد غذایی بوده وبراساس رشد زراعتی است که صنایع سبك ومواد غذائی بوجود میآید و رشد میکند ، اما وضع خیلی عقب مانده زراعت کشورما ، قادر به ایفای‌چنین نقش رشد یابندهٔئی نمیباشد . با وصف اینکه افغانستان به اصطلاح «یك کشور زراعتی» محسوب میگردد وپایهٔ اساسی اقتصاد آنرا تولیـد زراعتی تشکیل میدهد،ولی‌مشخص سیمای این اقتصاد یکبایه سطح‌نازل حاصلدهی کار و عقب ماندگی عظیم زراعتی است که با اینوضع صادرات کشور نیز (که‌هم اکنون ۹۰ فیصد آن مشتمل بر مواد زراعتی میباشد)، نمیتواند از لحاظ کمی و کیفی بهبود یابد .

از چندین سال به اینطرف علاوه برساحهٔ تحت زرع ، میزان حاصلات زراعتی نیز افزایش نیافته است که [illegible] موجودیت مالکیت ارضی ، رشد بطی و فقدان زراعت تشدیدی ومعمول بودن وسایل وشیوهٔ کهنهٔ مربوط به دو هزار سال قبل در زراعت کشور ، باعث پائین آمدن سطح حاصلات زراعتی گردیده‌است.

زراعت د رافغانستان عمدتاً بشکل طبیعی و ابتدایی آن تاکنون باقی‌مانده است . همانطوریکه صد ها وهزاران سال قبل مردم ما فقط امیدوار به لطف طبیعت بوده اند ، اکنون نیز غالباً از آنقسمت هـا برای کشت استفاده میگردد کـه بصورت طبیعی‌آماده باشد . درکتاب «سومین پلان پنجساله» درینمورد اعتراف میگردد که : « فعالیت های زراعتی اکثراً دروادی های دریاها و تراس‌ها بصورت عنعنوی و باکفایت تولیدی کمتر صورت میگیرد » ، بدینجهت‌ازمجموع اراضی‌قابل‌زرع که در حدود ۱٤ ملیون هکتار یا ۲۲ فیصد مجموع ساحهٔ افغانستـان میباشد ، کمترین استفاده بعمـل میآید و سیستم آبیاری همان‌سیستم هزاران سال قبل است . از جملهٔ کلیه اراضی قابل زرع فقط ۳ر۵ ملیون هکتار آن تحت آبیاری قـرار دارد که از آنهم بنابر اعتراف‌حکومت «نسبت فقدان وسایل کافی آبیاری اراضی» (کتاب پلان سوم) فقط ۲ر۹ ملیون هکتار آن سالانـه کشت و آبیاری میگردد .

باوصف اینکه بیشتر از ۹۰فیصد اراضی زراعتی را کشت حبوبات و عمدتاً گندم تشکیل میدهد چنانچـه به تنهایی ۲ر۳ ملیون هکتار زمین‌یا ۸۰ فیصد مجموع ساحه ایکه‌سالانه آبیاری میگردد ـ گندم کشت‌میشود ولی مقدار حاصلات سالانهٔ غله‌خیلی کمتر از مقدار مورد ضرورت مـردم ماست .

بدینمناسبت همه ساله ۳۰۰ ـالی ٤۰۰ هزار تن گندم به این کشوربه اصطلاح زراعتی از خارج واردمیگردد وهرگاه احتیاج روز افزون مردم را بادرنظر گرفتن ۱ر۷۵ فیصد افزایش نفوس سالانه در نظر گیریم‌وحاصلات سالانهٔ گندم را به معیار سالهـای قبل قبول نمائیم (که با اینوضـع امیدی برای بهبـود و افزایش آن نیست) میزان این کسر از یکسال تاسال دیگر بیشتر میگردد . وضع در مورد جواری وبرنج‌وسایر غلجات که از مواد غذائی درجه دوم مردم ماست ، به یکفیصدی وتناسب‌دیگر، بدینمنوال است .

در مورد پائین آمدن سطح‌حاصلات زراعتی وبالا رفتن قیمت مواد غذائی بخصوص غله بهتر آنست کـه بـه استناد نشرات خود حکومت ودرینجا براساس‌نشریهٔ‌وزارت‌پلان (پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی‌ـ سال ۱۳٤۶) نشاندهیم که : « خرابی حاصلات و قلت مواد غذائی درسال‌های ۱۳٤٤ و ۱۳٤۵ صعود قیمت مواد غذائی را بیشتر ساخت .. » درین نشریه سپس ادعا میشود : «حکومت در پلان سوم قدامت اولی‌را به انکشاف‌زراعت داده وسعی‌جدی‌تر به انکشاف زراعت در جریان‌است». واقعاً دلچسپ است که باوصـف «توجه بیشتر حکومت به انکشاف زراعت » بطور مثال حاصلات پنبه‌از سال ۱۳٤۲ به اینطرف بالترتیب‌از ۱۲۰ هزار تن به ۷۹ ، ۷۵ ، ۶۱ وبالآخره درسال ۱۳٤۶ به ۵۷ هزار تن پائین آمده است ، یعنی تقریبا ۵۰ فیصد در تولید پنبه از سـال ٤۲ تا ٤۶ تقلیل رونما گردیده‌است. به اینصورت این ادعاخیلی‌درست(!) خواهد بود که از طرف حکومـت «سعی جدی‌تر به انکشاف زراعت در جریان است » ! . دلچسپ‌تر اینکه تولید پنبه درسال اول‌پلان پنجساله سوم (۱۳٤۵) ـ ۶۹ هزار تن ودر سال دوم آن (۱۳٤۶) ـ ۸٤هزارتن پیشبینی گردیده است و بهمیـن ترتیب برای سالهای آینده رقم های بزرگتر قید و پیشبینی شده است که در سال اخیر پلان (۱۳۵۰) بـه اندازهٔ ۱۱۶ هزارتن پخته بظرفیـت بیشتر از یکصد هزار تن پنبه خام ودستگاهای تیل کشی بظرفیـت پروسس بیشتر از ۷۰ هزار تـن پنبـه‌دانه در سال ساخته شده ویا درحال ساختمان است .

درکتاب پیشرفت پلان ـ سال ۱۳٤۶ در زمینـه کسر فـاحش حاصلات پخته‌گفته میشود « . . . حاصلات پنبه که قیمت آن باقیم‌مواد غذائی رقابت کرده نمیتوانست‌پایان

(ص ۲)

ببرك کارمل

د وحدت او اتحاد د تامین

ضرورت

زموږ په وطن کی‌دضد ملی اوضد دموکراتیك اوسنی حاکمه نظام لـه‌استقرار نه کلونه تیریږی ، او ددی په‌اوږ کی دافغانستان د وطنپالونکواو ترقی غوښتونکو قوتونو لـه‌خوا، ددی استبدادی نظام دطردولو اودیو ملی دموکراتیك نظام داستقرار لپاره پراخ مجاهدات شـویدی. مګر له بده‌مرغه تراوسه پوری‌دی ټولومجاهداتو ماته کړیده او ارتجاعی حاکمه طبقه همااغه راز خپل‌جابرانه تسلط ته‌دوام‌ور کوی .دلته‌یوه پوښتنه پیداکیږی چه ددی مجاهداتو په جریان کی د وطنپالونکو او ترقی غـوښتونکو دماتی علتونه څه دی؟

باید وویل شی چه ددی مقا لی‌هـدف ، د ترقـی غـوښتونـکو اووطنپالونکو قوتو نو دنه کامیا بیدو دټولو عینی اوذهنی عللو او عوا ملوطرح نده، بلکه‌دلته دپورتنی‌پوښتنی په ځواب کی بوازی ددی مسالې یو مهم عامل دراتلونکو مفصلو بحثونولپاره دمقدمې په‌حیث څیړو.

دادنه کامیابیدو او ماتې مهم علت‌چه زموږ په‌هیواد کی یی دمـرتجعواو مستبدو حاکمه قدرتونو عمراوږد کړیدی، هغه انشعاب، افتراق‌او نفاق‌دی چه دهیواد دملی اومترقی نهضت‌په بهیر کی دترقـی غوښتونکو او وطنپالونکو قوتو نو تر مینځ پـیداشویدی.

مشهوره ده چه (اګوست ببل) په‌۱۹ پیړۍ کی‌دآلمان دکارګری‌نهضت‌او د سوسیال دموکرات ګوند یو مشهور لاربښوونکی پـه را یشتاك(دآلمان پارلمان) کی،په ناڅاپی‌توګه‌دمجلس دښی لاس دنمایندګانو لـه چکچکو سره مخامخ شو.ده‌چه‌انتظارنه درلود دپارلمان مرتجع وکیـلان‌دده وینا تائید کاندی لـه ځان سره یی په لوړ آواز وویل: «ای احمقـه بوډا! بیادی څه ګلان کرلی دی چه داخناوران خوښی کوی.»

واقعیت دادی چـه کله کیدی شی ددښمن له عکس‌العمل نه پـه حقیقت پوه شو.

اوس ټولوته ښکاره ده چه پـه‌ملی اوبین‌المللی عرصه کی ټول ارتجاعی حاکمه محافل او امپر یالستان څنګه په مترقی اوملی نهضت کی داختلاف له وجود نه‌خوشحاله دی اوله هغه نه پخپله ګټه بهره اخلی.

داطلاعاتو او حقائقو سـره سم همدا اوس دافغانستان حاکمه قدرت پرله پسی په دولت کی اوله هغه نه دباندی دامپریالستانو په‌توګه په‌ټول قوت او ضد انسانی شئونو په ټولو وسائلو هڅه کوی چه‌دهیواد دترقی غوښتونکو او وطنپالونـکو قـو تونو تر مینځ اختلاف، انشعاب، تفرقه او نفاق زیات زور اوډیر شدید کړی‌او دهغوی تر مینځ وحدت او اتحاد ناممکن کاندی اوله خوشالی نه‌ورته وناځی . هغوی هـره ورځ فـعالیت کوی چه دتفتین، جاسوسی ، افشا ګـری او دآزادی غـوښتونکو او وطنپالونکو په صفونو کی درواز راز دروا‌غو ، تورونـو او بی‌اعتمادیو د خپرولو په وسیله دخپل عـمر دبقا لپاره حداکثر استفاده وکړی، داځکه چه حاکمه ارتجاعی قدرت دا تجربه

(۲ مخ)

وزیر پلان چه میگوید...؟!

(از بیانیه ښاغلی عبدالصمد حامدوزیر پلان در ایام جشن استقلال ـ شماره ۲۱ و۲۲ سنبله ۱۳٤۷ روز نامه اصلاح)

ـ « باحصول استقلال سیاسی، بحیث شرط اساسی جهت تثبیت استقلال اقتصادی امکان آغاز بـه اقدامات انکشافی بمیان آمده . »

سوال: شگفت انگیز است! پس از پنجاه سال که از احراز استقلال سیاسی کشور میگذرد ، اکنون‌فقط « جهت تثبیت استقلال اقتصادی ، امکان آغاز به اقدامات انکشافی » بوجود آمده است . پس ادعا های‌که دربیانیه‌ها ونشرات‌حکومت ، منجمله درین بیانیه ښاغلی وزیر پلان مبنی برانکشاف اقتصادی وغیرهٔ صورت گرفته است ، چگونه صدق پیـدا کرده میتواند ؟

ـ « بصورت مقایسه با اکثر دول‌هم سویه میتوان خصوصیـت انکشاف کشور را در این ملاحظه نمود که در طول اینمدت حکومات وقت بشکل مبتکرانه و فعال قیادت این حرکات انکشافی را بعهـده داشتند »

سوال : هر گاه منظور از اکثر کشورهای همسویهٔ افغانستان ، برخی از کشور های مستعمره‌ونیمه مستعمره سابق آسیایی ، افریقائی وامریکای لاتین باشد ، باید گفت‌که ازیکطرف این کشور ها در زیر یوغ استعمار وحشیانه کشور هـای استعمارگر و تحت پاشنهٔ آهنیـن حکومات مطلقهٔ غیر ملی و سیستـم‌های از لحاظ اقتصادی و سیاسـی وابسته به امپریالیزم ، از رشـد سریع اقتصادی باز ماندند ، مقایسه افغانستان با آنها خود اعتراف به‌این امر است که کشور ما نیز در تحت چنین شرایطی نتوانست راه تکامل سریع اقتصادی را در پیش گیرد . وازجانب دیگر آیا صحیح است که رشد بطئی و محدود جامعه را ناشی از ابتکار وقیادت حکومات وقـت دانست ؟ حقیقت امر اینست کـه حکومات وقت غالبا از پنجاه سال به اینطرف که از استقلال سیاسـی کشور میگذرد ، به نمایـندگی از طبقات حاکمهٔ ، مانع رشد اقتصادی کشور گردیده اند ، نه محرك رشد آن . بدینجهت اکنون افغانستان در آخرین صفوف کشور های کمرشد وعقب‌ماندهٔ جهان‌قرار دارد . هرگاه حکومات ملی و مترقی در کشور ما ، درینمدت استقرار میداشت امکانات وسیع برای رشد سریع اقتصاد و فرهنگ جامعه میسر بود ، چنانچه حکومات ملی در کشور هایی چـون کیوبا ، جمهوریت عربی متـحد ، سوریه ، برما ، الجزایر و غیره در مدت خیلی کوتاهتر توانستند راه‌را برای رشد سریع اقتصاد و فرهنگ جامعه هموار سازند .

پس سوال درینجاست که منظور از کشور های هم‌سویه کدام‌ها اند که با مقایسهٔ آنها حکومات وقت افغانستان بشکل « مبتکرانه وفعال قیادت حرکات انکشافی را بعهـده داشتند »؟

ـ « باید در نظر داشت که‌تمدن امروز جهان شمول غرب که‌انکشاف مدرن اقتصادی در چوکات آن‌میسر است ، دیروز برای ما کاملا یـك احساس بیگانه بود و بر خـورد خاصمانه و تجاوز کارانه نمایندگان دیروز آن موقف منفی مردم ما رادر مقابلش بازهم شدیدتر میساخت و حتی امروز هم برای بعضی مردم ما فهم‌آنرا دشوار میگرداند . »

سوال : وضع موجود کشور های کم‌رشد جهان وبخصوص تجارب آن کشورهائیکه رشد اقتصادی را از طریق غیر سرمایه داری در پیش گرفته اند ، ناصحیح بودن این‌ادعای ښاغلی وزیر پلان را که میگوید: « انکشاف مدرن‌اقتصادی » درچوکات «تمدن امروز جهان شمول غـر ب میسر است» ثابت میسازد. «تمدن امروز جهانشمول غرب» که‌دربدل قربانیهای عظیم بشریت تحت ستم و فشار و خو ن ملیـو نـهـا انسا ن کشو ر هـای آسیایی، افریقائی و امریکای لاتین بدسـت آمده و هنوز بوی خون و گوشـت میـدهـد ، استقرار آن د گـر برای هیچ کشوری حتی کشور های غرب میسر نیست .

اعتراف صحیح است که بر خورد مخاصمانه و تجاوز کارانه غـرب «متمدن» باعث بر ا نگیختن قـهـر مردم در برابر آن گردیده است و باید چنین باشد ، اما این طرفه‌رفتن که«تمدن امروز جهانشمول غرب» ، « دیروز برای‌مردم ما یك احساس بیگانه بود» چه معنی دارد ؟

ـ « در اثر رجوع بیشتر مردم بمعارف و تشویق حکومات وقت ، توسعه معارف بیش از تخمین پلا ن دوم صورت گرفت و تعداد متعلمین دوچند شد و همچنین تربیه یکتعداد زیاد کارگر ماهر در چوکات‌پروژه‌ها قابل تذکر است .»

سوال : موجودیت ملیونها کودك وهزاران هزارجوان که‌باتحمل‌مشکلات ومحرومیت‌های عظیم‌آمادهٔ فراگرفتن تعلیمات ابتدایی و ادامهٔ تعلیمات عالیتر هستند ، نشاندهندهٔ ایـن

(ص۲)

په پښتونستان کی توره هفته پای ته

ورسیده

ا ه‌پښتور نه رار سیدلی خبرونه وائی چه‌د نشنل عوامی‌پا رټی‌ له‌خوا اعلان‌شوی توره هفته په پښتونستان کی پای ته و رسیده .

نشنل عوامی پا رټی‌دغه ګوند دمشر خا ن عبدا لو لی خا ن ،دګوند دعمومی نا یب سکر تر ښا غلی‌اجمل ختك اود سر حدد نشنل عوا می پارټی‌د صدر ښا غلی ا ر بـا ب سکندرخان او نورو مشرانو دبندی کیدو په‌ضد دا حتجاج‌په ټول‌ددسمبر له ۲٤ نیټې‌نه په ټول پښتونستان کی توره هفته‌اعلان کړی وه .

په‌دی هفتی کی د نشنل عوا مـی پار ټی له‌خوا د پښتو نستا ن بیلو بیلو بر خو ته هیئتونه ا ستول شوی‌وو. په دغی هفتـی کـی چـه دپښتو نستان دخلکود پاره ئی دملی ماتم‌حیثیت درلود دپښتو نستا ن په ټولو ښا ر و نو کښی جلسـی او جلو سو نه روان وو. په جلو سو کی دنشنل عوامی پار ټی د مشرا نـو له‌خوا په پښتنو او بلو ځو باندی دپا کستا ن د حکومت له‌خوا د ظلم او ستم په با ره کی‌جذ ابی‌انقلا بی وینا و ی.و شوی او.د پښتونستا ن په‌موضوع با ند ی رڼا وا چوله‌شوه.

په‌هره جلسه او په‌هر جلو س کښی د پښتو نستا ن دملی مشر خا ن عبدا لغفارخا ن په طر فدا ری نا رې وهل کیدی .

خلکودنشنل عوا می پا ر ټی‌ د مشرانو دخلا صو لو ، د آزا د ی‌او دمو کرا سی غو ښتنه کو لــه . رسید لی خبرو نه وا یی چه په پښتو نستا ن کی د کو چنی ا ختر رو ځی هم دما تم داختر په نامه ونما نځل شوی .

مور له‌خپلو پښتونستانیانو خلکواو ورونوسره خان‌په‌دغه‌ماتم کی‌شریك بولو اوداډ ور کوو چه‌هیچ کله‌به دو ی د ژوند په‌دغه ترخو ور ځو کی یوا‌ځی پری نږدو.

پرچم

دافغانستان دخلک دموکراتیک افکارو خپروونکی

۲۳ جدی ۱۳٤۷

رویدادهای مهم

جهان درهفته گذشته

بروسل: انجمن‌بین المللی حقوقدانان دموکراتیك طی مکتوبی عنوانی سر منشی ملل متحد ، زمامداران اسرائیل‌ورئیس جمهور لبنان،خشم خودرا راجع به حمله تحریك آمیزاسرائیل بر میدان هوائی بیـروت اظهار داشتند . انجمن این عـمل اسرائیل را تخلف صریح از منشور ملل متحد و اصول حقوق بین الدول خوانده ، تقاضا می نماید که بایـد خسارات وارده از طـرف اسرائیل جبران وفیصله نامه ۲۲ نو مبرسال ۱۹۶۷ بمعرض اجرا گذارده شود .

* * *

ماسکو : جلسه مشاورتی نیـرو های صلحدوست جهان راجع بـه ویتنام کار سه روزهٔ خود را به‌پایان رسانید . دراین‌جلسه که نمایندگان ۵۲ کشور و۱۹ سازمان بین المللی اشتراك ورزیده بودند ، راجع بـه پهلوهای مختلف جنگ ویتنام،طرق و شیوه های مبارزه بغرض اعاده صلح ویتنام بحث بعمل آمد. شرکت کنندگان پروگرام مشخص عمـل را برای خاتمه دادن‌به‌تجاوز امپریالیزم در جنوب شرق آسیا طرح کردند.

* * *

بن : تمام سازمانهای متر قی آلمان غرب طی نامهٔ ئی از حکو مت آلمان فدرال تقاضا نمودند که هرچه زود تر حزب نیونازیزم (حز ب دموکرات ملی) را غیر قانونی اعلان کند ، زیرا اعضای ایـن حـزب عبارت از همان فاشست هائی استند که ۲۰ سال قبل جهان را بجنگ خونین کشانیدند ، فعالیت این‌حزب به ضرر استقلال و تمامیت آلمان است .

* * *

نیویارك :

یعقوب مالك نماینده دائمی‌شوروی در ملل‌متحد ، کانونسیون‌بین‌المللی ایرا به‌امضا رسانید که طبـق آن مجرمین جنگ وعاملین جنایات‌علیه بشریت بدون در نظر گرفتن حدود مرور زمان تعقیب‌و مجازات گردند . اسامبله عمومی ملل متحد در بیست وسومین دوره اجلاسیه خویش ایـن فیصله را راجع‌به مجرمین جنگ دوم جهانی به تصویب رسانید . تا هیچ کدام از جنایت کـاران نـازی بدون مجازات نمانند .

* * *

نیویارك : اعتصاب بزرگ کارگران نفت امریکا آغاز گردید .

کارگران خواهان بیست فیصد ازدیاد مزد میباشند .

* * *

واشنگتن : بـه تعقیب اعتصا ب کارگران نفت امریکا کار گران بنادر بحری مریکا نیزدست به اعتصاب زدند .

* * *

نیویارك : اعتصابات و مظاهرا ت پوهنتون سانفرانسسکو ادامه دارد. قرار معلوم این چهارمین بار است که پوهنتون باز وبسته می شود . در زد وخورد اخیریکه بین محصلین وپولیس رخداد ، ۱۸ محصل و٤نفر پولیس زخمی شدند .

رد اعلان شرکت نساجی

افغان

جریدهٔ «خیبر» در شماره ۷جدی، سال (۱۳٤۷) خو یش ،اعلانی از شرکت نساجی افغانی انتشار داد . درین‌اعلان مذبوحانه تلاش کرده‌اند تا به اصطلاح آفتاب را با دوانگشت پنهان کنند و تظاهرات ، اعتصابات ومبارزات اقتصادی و صنفی هزاران نفر از کارگران ،دهقانان و روشن فکران وطنپرست ولایات کاپیسا و پروان را که بیش از یکماه ادامـه یافت ،تحریك چند تن ، باصطلا ح خود شان « اشخاص نا سا لم و استفاده جو» وانمود نمایند .

ما یك بار دیگر خاطر نشان مینمائیم که مضمون متن «یك سند موثق»منتشرهٔ جریدهٔ پرچم، هنوزهم نو شته و سندیست موثق وپا برجا که امضاء کنندگان آن وکلا ووالیا ن کاپیسا وپروا ن بوده ویکی‌ازاسناد معتبر مبارزات قانونی و مسالمت ـ امیز کار گران گلبهار درین مـر حلهٔ بشمار میرود . در مورد مقدمهٔ ایـن سند ، پرچمداران دموکراتیك خلق افغانستان باز هم باشجاعت کامل پافشاری مینمایند که کار فرمایان شرکت نساجی افغان‌باتمام‌قوا از کلیهٔ وسایل ممکنه اعم‌ازتخویف ، تهدید، تطمیع ، تبلیغ، نفر قه‌افگنی واخراج کارگران استفاده کرده، به کـمك بیرو کرا تها ی فا سد ، متنفذ ین و مرتجعین محلی وبه شیوهٔ استبـداد قرون وسطائی ، آرمانـهای والای خلق کارگـر ، خاصه زحمتکشان ولایات پروا ن‌و کاپیسا را زیر پا نهادند وحقانیت تظاهرات،اجتما عات و مبارزات مسالمت آمیز کارگران‌را غیر قانونی، نامطلوب‌وماجرا جویانه وانمود کردندوکارگران آگاه ونجیب راعلی رغم موازین قانون و ضد آزادیهای مصرحه در قانون اساسی کشور از کار اخراج و **عبدالقدوس کار گر شریف ووطنپرست** را کـه وکیل کارگران‌فابریکه‌نساجی‌گلبهار بود ،از کار طرد وبزندان افگندنـد که تاهنوز در قید و بند ارتجاع ،در دشوارترین شرایطی باسر بلندی و افتخار بسر میبرد .

پرچمداران دموکراتیك خلق بـا نشر «سند موثق» که قبلاً‌به‌امضای وکیلان کاپیسا و پروان و یکعده از وکلای دیگر ولسی جرگه ووالیـا ن ولایات مذکور ، مبنی بر قـانو نی بودن اعتصابات‌و مظاهرات کارگران ومطالبات شان و همچنان لزوم بـر کناری چهار تن از مامورین‌بزرگ نساجی ، به خوانـندگان ارجمند خویش تقدیم کرده است ، ضرورتی باین احساس نمیکند که یکبار دیگر باتوجه‌بمتن‌پر ازتناقض‌اعلان نساجی واعترافات غیر شعوری آنموسسه‌به اجرای اعمال ضد قانون اساسی (بخصوص‌مواد۲۳و۱۰۳)،وضد حقوق وآزادیهای دموکراتیك کار گـران‌در اعلان مذکور ، به تـوضیح بیشتر آنچه همه میدانند بپردازند .

لذا یکبار دیگر نبشتهٔ قبلی و متن «سند موثق» منتشره در پر چم راجداً تائید و به اعمال کار فرمایان نساجی افغان‌و متحدین شان‌اعتراض میکند واعلان شرکت نسا جی‌افغان را رد مینماید .

زیار کښو ملګرو ته

ای‌ملګرو زماد عقیـد ې !
زماد غم په شپو کې ددېرې!
زما په‌ترل‌نو کې دامید،
خلکو په مو ر چل کې د جګړې !

* * *

لاس کې جلبونه د طو فان
پښو لاندې اسو نـه خاد ئې
هرقدم خطرد غر قیدو
شاوخوا او رو نه د فتنې
هر آواز د تا لندی دمرګ
هر نفس سر کښي ز لز لې
سر کې یر غلونه دبرې
ستر ګو کې بریښنا د غلبې

* * *

مره مشرق له شانـه غلې غلې
خو کې را ښکا ریږي د لمبو
بیاد شپو وهلو غروبه خندو
سره رڼا خو ریږي د سپیدو
پښو کې دپیړي داسیرانو
بند په بند ځنځیر په متیدو
ورانو دیوا لو کې‌د بز ګرو
شور د آزادۍ په‌خو ریدو
شپه‌د لو ټما رې په تیریدو
لمر د عدا لت‌په را ختو

* * *

مه‌بخښيء مونږ ای‌کارګروخلکو
مونږ لاکله‌وړیو دبخښلو
پاتې ستا سو لا ر کې لا په‌موږه
حق د لو ګید لو ، سو ځید لو
حق د تیریدو له خپله ژونده
سرباندی داور دچلو لو
حق دزو لنود شرنګو لو
حق دشکران دنوشولو !

سلیما ن لائق

نرسهای وزیراکبرخان روغتون

دربرابر رویه نادرست آمران اعتصاب کردند

خبریا ل پر چم اطلاع‌میدهد کـه بروز (۱۸) جدی نرسهای وزیر اکبرخا ن رو غتون د ربرا بر رو یهٔ نا درست آمرا ن شفاخ انه ، بعنوان اعتراض د ست با عتصاب زده وبعداً بصورت تظاهر راه وزا رت صحیه‌را در پیش گر فتند .

خبرمی افزایدکه نر سهای و زیر اکبرخان رو غتون مطا لبات آتی را در برا بر و ز ارت صحیه ا را ئه کرده اند :

« ـ تطبیق ما دهٔ(۲۵) قا نون اسا سی که‌میگوید : «تمام مـردم افغانستا ن‌بدو ن تبعیض در برا بر قانون حقوق وو ظایف مسا و ی دارند .»

ـ احترام گذا شتن بکرامت انسانی و حرمت نر سها،طبق‌قانون اساسی .

ـ با ید آنعده ا شخاص که‌خلاف احکام قانون ا سا سی، بر کرامت انسانی و حیثیت فر دی نـر سها تعرض نموده اند ، از آنا ن‌رسماً عفو بخوا هند .

ـ اعادهٔ تمام‌حقوق قانونی‌نرسها، اعم از ا عاشه ، ا لبسه و غیره

ـ تجدید نظر جدی د[illegible] تشکیلات ادا ری رو غتون و جلو گیری از بی عدا لتی ها و سوء ا ستفاده ها .

ـ جلو گیری از خویش خو ری‌ها وتبعیضات دیگر .

تابر آورده شدن خوا ست ها ی، ما نر سها ی و زیرا کبرخان روغتون کما فی‌السابق بو ظیفهٔ مقدس خویش ادا مه‌داده و در صورت رد شدن‌این خوا ستهای ضروری وقانونی بغرض حصول‌حقوق حقه‌خود به‌ا جتما عات وا عتصا بها ی قانونی طبق مادهٔ سی‌و دوم قانون ا سا سی دوام خوا هـ[illegible] داد».

رویه غیر عادلانه وضد قانونی

در مورد عبدالرؤف (زلمی) کار گر مطابع دولتی

خوا نند گان ار جمند پر چم‌بدرستی میدانند که نخستین امواج جریان پیشتاز نهضت کار گری کشور که‌همزمان بابر گزاری روز اول می (ثور ۱۳٤۷) آغاز شد، در اند ك‌مدت‌سراسر کشوررا فرا گرفت‌وکار گران حوزه های‌مختلف‌کارگری برای‌احقاق‌حقوق مسلم اقتصادی خویش بیك ـ سلسله اعتصا بات و تظا هـرا ت‌قانونی‌دست زدند.

ښاغلی عبدالرؤف زلمی ،

کار گران شریف و زحمت کش مطابع دولتی هم بتا سی از ین سنت قانونی کارگری، بغرض تأمین حقوق اقتصادی خویش، دست به اعتصاب زدند. ریاست مطابع خوا ستها ی کارگران را در همانو قت تائید کرد ووعده داد که درراه بر آوردن آ ن مجاهده مینماید . پر چم نیز ایـن جریان را با تعهد ریاست مطا بـع باطلاع مردم رسانید. چنا نکه‌ریاست مطابع برای تأمین مطا لبات کار گران بیك سلسله اقدا مات رسمی نیز دست زد، که‌این خود حقا نیت و قانو نیت خوا ستهای کار گـران را تائید میکند.

معهذ مقامات امنی (!) دستگا ه حا کمه، خلاف ارزشهای دمو کراتیك قانون اساسی و قانون کار و کار گر، یکتن از کار گران جوان و صدیـق شعبهٔ صحا فی مطبعـه، ښا غلی عبدالرؤف (زلمی) را، بـدون حـکم محکمهٔ با صلاحیتی بعنوان محرك(!) اعتصاب زندانی سا خت. (زلمی) بیشتر از هفت ماه درسلول زند ا ن بسر برد، تابالاخـره بـدون اینکـه بصورت علنی محا کمه شود ومطابق به حـکـم قـانون اسا سـی عـمل گردد، بصورت خود سرانه ومضحکه آمیزی بعد از گذ شتاندن بیشتر از **هفت ماه** درزندان به **سه ماه** حبس ودو هزار افغانی جر یمه نقدی محکوم وبقید ضمانت‌ازززندان‌رهاگردید.ولی هنوزهم سر نو شت او د ر جریان این طرز العمل ضد قانونی و غیر دمو کراتیك نامعلوم ومجهول است.

((جبهه ملی))

بروز چهار شنبه (۱۸) جد ی نخستین شمارهٔ جریده ئی بنا م «جبههٔ ملی»بامتیاز و مسؤو لـیت ښاغلی عبدالرب اخلاق در کابل‌نشر شد .

پرچم : آرزو میکند که این‌جریده واقعاً بتواند مطابق به عنوان خود ، از ایجاد جبههٔ متحد دموکراتیك‌ملی واقعی ضد ارتجاع وضد امپر یالیزم پشتیبانی کند ودر راه اتحاد تما م‌نیرو های صدیق ملی ودمو کراتیك، ترقیخواه ووطنپرست سهم مثبتی ایفا نماید .

اسناد شورای صلح...

ـ بکاربردن پا لیسی‌مذاکره‌بغرض حل اختلافات‌بین‌ملتها، بجای‌سیاست زور.

کمیته رئیسه شورای جهانـی صلح ،امروز یك بار دیگر ایمان راسخ خودرا باین‌اصول اعلان‌میدارد وخود را مکلف میداند که اصول مذکور را حفظ وتقویه نماید .

هرکسی باین اصول وهر یـك از مقاصد این جنبش موافقت دارد ، میتواند بدون تبعیض و استثنا، بـا مساوات تام با دیگران درآن سهـم بگیرد .

چه در داخل وچه در خارج‌جنبش نظرات زیادی‌وجود دارد . هرکسیکه ز صلح پشتیبانی می کند میتواند نقاط نظر خود را آزادانه و بـدو ن قید و شرط پیش کند . جنبش‌صلح پیوسته سعی می ورزد همکاری خود رابا تمام ساز مانها ونیرو های دیگر صلح تقویت بخشد . هرنوع ابتکار در راه عمل مشترك بخاطر صلح را تشویق وپیشتیبانی می نماید . به رهنمائی این اصول است که جنبش صلح در سراسر جهان پهن گردیده است .

جنبش صلح به مردمانیکه علیـه اشکال مختلف ستمگری مبارزه میکنند هرجا که باشند نیرووامیـد تازه می بـخشد و افکار عا مـه را بحیث آله عمده عمل آن تـقو یت می نماید .

نظر به پرابلم هائیکه به‌آن مواجه میباشیم بر انگیختن افکار عا مـه جهان درهیچوقت دیگر بـه انـدازه امروز یك امر ضروری نـبـود ه است .

مبارزه قهرمانانه مردم ویتنام در شمال وجنوب ، که از پشتیبا نـی افکار عامه جهان بر خوردار است ، در قطع بمباردمان بـر تـمام خـاك جمهوری دموکراتیك ویـتنام بـه پیروزی درخشانی علیه متجاوز یـن نایل گردید .

ولی هنوز کار های زیادی در پیشروست که باید اجرا شود .

تنها با بیرون کشیدن مکمل‌قوای ولایات متحده امریکا و متحد یـن آن وبرسمیـت شناختن کامل‌جبهه آزادی ملی‌بحیث‌نماینده مردم ویتنام جنوبیست که مردم ویتنام میتوانند حق تعیین سر نوشت آینده شانـرا بدست آورند .

مسلح کردن مجدد آلما ن فدرال، وامتناع آن کشور از شنا سا ئی سر حدات فعلی وانکار از وجود دو المان وپشتیبانی ایالات متحده‌امریکا و دیگر کشور های عضو نـاتـو از موقف آن علت اساسی کشیدگـی اوضاع در اروپا میباشد که رشـد نیونازیزم و ادعا های ارضی علیـه دیگر کشور های اروپائی و سر باز زدن از امضای قرار داد منع انتشار سلاح ذروی به وخامت آن افـزوده است .

خا تمه‌دادن‌بایـن سیا ست مانع عمده‌ئی را از سرراه آغاز یك دوران صلح در اروپا از بین خواهد بـرد و حصول یك سیستم امنیت دستـه جمعی را توأم با انحلال همز مـا ن اتحادیه های نظامی ممکن خوا هـد ساخت .

در شرق میانه اشغال سر زمین های مربوط به کشور های عربی از طرف اسرائیل که در نتیجه جنگ ۱۹۶۷ تصرف نموده است، اخـراج مهاجرین و شنکجه نمودن اعرابیکه درمناطق تحت‌اشغال‌بسر میبرند ، بشدت سابق ادامه دارد .

بغرض جلو گیری از تصادمات جدید ضروریست که فیصله نامه ۲۲ نومبر سال۱۹۶۷ شورای امنیت که بیرون کشیدن قـوای اسرائیـل رااز مناطق تحت اشغـال و اتـخاذ تدابیرجهت حفظ حقوق وامنیت تمام دول و ملل این منطقه را تقاضانماید بطور مکمل اجرا گر دد.

مردم آسیا ، افریقا وامـریکا ی لاتین در مبارزه‌شان علیه امپریالیزم بخاطـر آزادی خویش از بـقا یـای استعمار با تمام اشکال آن نیازمند پشتیبانی میباشند . بخصوص مردم امریکای لاتین در مخالفت شان بـا دکتاتوریهای ارتجاعی ایکه منا فـع امپریالستی ایالات متحده امریکا بر آنها تحمیل می نماید ، درافـریقا ، خاصتاً در قسمت های جنـوبـی آن قاره ، در مبارزه بارژیمهای نـژاد پرست واستعماری ایکه از طـرف نیرو های امپریـالستی پشتیبانی می شوند ،و مردم آسیـا در مبارزه علیه تجاوز مستقیم امپریـالیزم ، نیاز مند کمك میباشند .

برای پیروزی در تـمام اینـها و بسیاری مسایل دیگریکه برای صلح اهمیت حیاتی‌دارد ، حداعظم وحدت عمل وتفاهم متقابل ضروریست .

گرچه بین پشتیبانان صلح اختلا ف در نقاط نظر وجود دارد، ولـی کـار کردن به خاطرصلح در انحصار هیچ کـدام از آنـها نیست از آنجائیکه اهداف مشترك است اختـلاف در بر خورد مانع موافقت‌راجع به‌فعالیت مشترك نمیگردد .

مباحثهٔ آزاد منجر به تفاهم‌متقابل واهداف مشترك‌منتج به عمل‌مشترك میگردد .

شورای جهانی صلح همیشه باین روحیه کـار کـرده است . شورای جهانی صلح‌بغرض مقابله با پرابلم‌ـهای مبرم روز از تمام سازمانها ، گروپها و افرادیکه برای صلح کـار میکنند دعوت‌می‌نماید که دستهارابهم بدهند.ودر تشکیل یك اسامبله‌بزرگ جهانی برای صلح که در جون سال ۱۹۶۹ در برلین دایر خواهد شد و طرق همکاری وعمل مشترك بـیـن نیروهای صلح را مورد بحث قـرار میدهد ،سهم بگیرند .

از همه اشتراك کنندگان استقبال می گردد. به همهٔ آنهاهای جای و فرصت‌مساوی‌داده‌می‌شود تانقاط‌نظر مختلف خودرا اظهار دارند .

بیائید برای تفاهم متقابل تأ مین وحدت بین خود ، بخا طراهدا ف بزرگیکه متضمن‌آرزوهای‌صلحجویانه بشریت است ،همکاری نمائیم .

«کمیته رئیسه شورای جهانـی صلح . لاهیتی (فنلند) ، ۱۳ نو مبر ۱۹۶۸»

د قندهار په ښار کښی مظاهره

د پرچم خبریال دقندهار له ښارڅخه خبر راکوی چه د پنجشنبی په ورځ دجدی‌په۱۹ نیټه دځمکودسروی‌دښوونځی باشعوره زده کونکو دخپلو قانونی غوښتنو دلاسته راوستلو په‌مناسبت دتیرو قانونی اقداماتو په‌لړ کی په اعتصاب اومظاهره لاس پوری کړ. ددی مظاهـر ی تفصیل بـه په راتلونکی ګڼه کی خپور شی.

پرچم

دامتیاز خاوند او مسؤول‌مدیر : سلیمان لایق
پته :زرلښت مارکیت محمدجانخان واټ
د تیلفون لمبر : ۲۳۱۶٤
دیوې ګڼې بیه ۵۰ر۲،افغانی

دولتی مطبعه

بارق شفیعی

هنر و نقش آن در زندگی

ومبارزهٔ اجتماعی

از نظرگاه جهانبینی علمی

-۲-

هنر وقتی با او تار احساسات لطیف انسان بدرستی در می‌آمیزد و آهنگ محبت اورانسبت بخودبگرمی بر می‌انگیزد که بتواند مطالبات‌هنری اشرا ارضا نماید،آنرا رشد وتکامل دهد، برای خویش در قلب وروحش جاخالی کندوآنرابه‌عشق کارومبارزه برای تأمین رفاه، آزادی وآبادی‌جامعه به تپش وتلاش در آورد. اما این امر میسر نیفتد مگر آنکه بتواند بزیبائی در دنیای خارج، در واقعیت خارج دست یابد، آنرا تعمیم دهد، چون نمونهٔ هنری بجلوه در آورد و بشکل هنری به او انتقال دهد.

معهذا این هنر ، تا هنگامی فرزند صالح، همسفرصدیق‌ورهنمای‌روشن‌بین جامعه است که استنباط زیبائی ازدنیا خارج، تعمیم و جلوهٔ نمونه‌وار هنری اش بوسیلهٔ آن وانتقالش بشکل هنری‌بدیگران، باتکامل‌واقعیت عینی جامعه درانطباق‌باشد وباجریان واقعی تکامل در تضاد نیفتد، که متاسفانه در جامعهٔ طبقاتی همیشه چنین نیست وپدیده های هنری بیشتر ممثل‌حقیقت‌نبوده وعلی‌الاکثر تحریف واقعیت‌بسودمنافع‌طبقاتیست. زیرا : «در جامعه طبقاتی شعور اجتماعی بهر شکلی که تجلی کند **خصلت‌طبقاتی** پیدا میکند . مجموعهٔ نظریات وافکار سیاسی ، حقوقی، اخلاقی، هنری ...طبقه‌معین **ایدئولوژی** اورا تشکیل میدهد ... طبقات انتاگونستی جامعه بهیچوجه موقعیت یکسان وهمانندی ندارند، در برابر آنها هدفها ووظائف‌اجتماعی مختلفی قرار دارد. این یاآن طبقه بوسیلهٔ سیستم معین نظریات خود، موقعیت خودرا در جامعه منعکس می سازد وپایه گذاری میکند، بدفاع از منافع خود برمیخیزد، میکوشد هدفها ی خودرا تحقق بخشد ووظائفی را که دربرابر آن‌قرارگرفته انجام‌دهد ... بدین ترتیب در جامعهٔ که به طبقات متخاصم تقسیم شده ایدئولوژی واحدی نمیتواند باشد. در آنجالزوماً هم ایدئولوژی طبقات استثمار گر وجود دارد وهم ایدئولوژی طبقهٔ استثمار شونده ، در حالیکه ایدئولوژی مسلط در جامعه، ایدئولوژی طبقه ایست که از لحاظ اقتصادی وسیاسی حکومت میکند. مبارزهٔ ایدئولوژیك یکی از اشکال مبارزهٔ طبقاتی است که همسفر همیشگی جامعه ایست که در آن طبقات متخاصم وجود دارد.»

بنا برآن هنر نیز، که در جامعهٔ طبقاتی در خدمت تعمیم وتأمین ایدئولوژی این ویا آن طبقه در می‌آید، **خصلت طبقاتی** کسب میکند وبااین موضعگیری‌طبقاتی هنر، هرگز نمیتوان از «**هنرناب**» سخنی بمیان آورد ویا بفلسفه‌واهی «**هنر برای هنر**» در حیات اجتماعی ودر جامعهٔ‌طبقاتی مصداقی پیدا کرد. هنر بخاطراینکه توانائی آنرا دارد که در ژرفای روان انسانی نفوذ کند، بر اندیشه ها اثر گذارد ، احساسات را برانگیزد و بدسترس همه قرار گیرد، در عرصهٔ مبارزه ایدئولوژیك سلاح نیرو مند مبارزهٔ طبقاتیست وبهمین جهت هم هر طبقه به ایجاد هنری علاقمند است که بدرد تأمین منافع طبقاتی، ارضاء مطالبات‌هنری، غلبه واستحکام ایدئولوژی اوبخورد .چون «ایدئولوژی مسلط در جامعهٔ طبقاتی ایدئولوژی طبقه ایست که از لحاظ اقتصادی وسیاسی حکومت میکند» لذا نقد رایج هنر نیز در بازار رقابتهای ایدئولوژیك به نفع متاع طبقهٔ حاکمه بدوران‌می‌افتد وتا زمانی اعتبار دارد که بنوبهٔ خود باسیر انکشاف نیروهای تولیدی ومناسبات مادی جامعه در تضاد واقع نشود، ولی همینکه در چنین موضعی قرار گرفت، دیگر ارزش واقعی ندارد و عرضهٔ حقیقت فریبندهٔ آن ، تقاضای تکامل واقعیت عینی را جواب داده نمیتواند واز سیر درنگ ناپذیر جریان تغییر زندگی اجتماعی **عقب** می‌ماند ، زیرا طبقه ئی که این هنر نمایندهٔ ایدئولوژی اوست ،نقش مترقی خودرا در جریان تکامل از دست میدهدودیگر منافع اوباپروسه واقعی تکامل در تضاد می‌افتد وجبراًبزوال میگراید . ولی این **عقب‌ماندگی** هنر بمعنی اضمحلال کامل آن نیست، بلکه هنر درین مرحله، مستقل از از جریان عینی تکامل به وجود خود ادامه میدهد و**استقلال نسبی** کسب میکند وطبقهٔ حاکم واستثمار گربرای حفظ موقعیت متزلزل خویش آنرا بیشتر مورد استفاده قرار میدهد. اما چون این هنر که دورانش بسر رسیده ،توان انعکاس صادقانه واقعیت وایفای‌رسالت تاریخی‌خویش را از دست داده است، نمیتواند عناصر جدید جریان نوین واقعیت زندگی اجتماعی (ص ۳)

بسلسله حقوق اقتصادی و اجتماعی کار گران :

آسه مائی

بیمه‌های اجتماعی

-۱-

تامینات اجتماعی سیستمی از موازینی است که توسط جامعه اتخاذ میگردد تانیاز مندیهای‌حیاتی افراد بر آورده گردد ،وسایل جبران بیکاری ، معیوبیت ، بیماری ،پیری حاملگی ، مرگ اعاشه کنندهٔ فامیل میباشد انواع مختلف تامینات و بیمه‌های اجتماعی برای کار گران ماموران دولتی وموسسات‌و سایر زحمتکشان میتواند وجود داشته باشد. ولی‌موضوع بحث‌ما درینجا بیمه های اجتماعی برای کار گران میباشد . درافغانستان بیمه های اجتماعی برای طبقات واقشار محروم جامعهٔ‌ما ، بخصوص کار گران‌کشور وجود ندارد .چندمادهٔ‌ناقصی که‌درین مورد درقانون کار کهنه وعهد عتیق افغانستان گنجانیده شده‌است؟ نه تنها به هیچصورت نمیتوانند نمایندگی ازحداقل تامینات اجتماعی برای کار گران بنمایند،بلکه موازین ناقص مزبور غیر عادلانه وبه نفع کار فرمایان وصاحبان فابریکات می باشد ، تابه نفع کار گران .

بیکاری بطور روز افزونی چون بیماری مزمن وساری سر تاپای جامعه رافرا میگیرد ، اما دولت‌خودرا مکلف به تامین کار برای کارگران بیکار نمیداند وبیمه دربرابر بیکاری وجود ندارد .

تامینات اجتماعی بالاتر از همه مسایل حقوق تقاعد میباشد که از ازینطریق کار گران واعضای فامیل شان ، حقوق تقاعد در برابر پیری، معیوبیت ویامرگ اعاشه کنندگان فامیل رابدست میآورند .

ولی در افغانستان ،عملا ازحقوق تقاعد ، این عمده‌ترین‌شکل بیمه‌های اجتماعی اصلا جبری نیست .کارگر تاوقتیکه جوان‌است ونیروی‌کار وی زایل نگردیده‌است مورد بهره‌کشی وحشیانه‌قرار میگیرد ، اما هنگامیکه تمام شیرهٔ جانش مکیده شد ونیروی لازم کار را از دست داد ،از کارگاه وفابریك رانده میشود ، بدون اینکه هیچگونه تامینی برای آیندهٔ خود و فامیلش داشته باشد . بیمهٔ صحی برای کارگران اصلا وجود ندارد ودر بعضی موسسات هر گاه موجود باشد خیلی ناقص ومحدود است . کار گر هنگامیکه مریض میگردد نه تنهاازطرف‌موسسه مربوط تحت تداوی قرار داده نمیشود، بلکه در ایام بیماری علاوه برعدم دریافت مزد ، بطور ظالمانه از کار نیز اخراج میگردد .

موازین ناقصی که در قانون کار درافغانستان دربرابر معلولیت و صدمات وارده کار گران قیدگردیده است،فوق العاده غیرعادلانه‌میباشد. بطور مثال‌جبران خساره که درمقابل ازدست دادن هر دو پا،هر دوبازو و هردوچشم کار گر دراثر انجام کار تعیین گردیده‌است‌بین‌حداکثردوازده هزارو حد اقل چهار هزار افغانی میباشد که هر گاه کار فرما حاضر شود چنین پولی راپبردازد حد اقل آن خواهد بود وآن صرف چهارهزار افغانی برای یکبار وهمیشه دربرابر ازدست دادن دو پا ، دو بازو و یا دو چشم ودو هزار افغانی دربرابر یك چشم‌میباشد.مثال‌دیگر:درصورت ازدست دادن تمام‌انگشتان هردوست خودیك کار گر میتواند فقطسه‌هزار افغانی بدست‌آوردودر برابرازدست دادن‌گوش‌خود،فقط یکهزار افغانی (اینهم در عمل بسته به لطف(!)کار فرماست که حاضر به‌پرداخت آن باشد)، ودهها مثال دیگر.

منحیث پر نسیپ بیمه ها ی اجتماعی عبارت از موازینی است‌که توسط آن‌قسمتی ازعواید ملی وقف نیاز مندی ها ی لازمی مردم‌میگردد خدمات مجانی وکمك های را که کارگران ازطریق‌بیمه های اجتماعی میتوانند دریافت دارند ، بطور قابل ملاحظه عواید واقعی بخصوص آنعده کار گران راکه مزدها ی‌شان کم‌است افزایش میدهد با تعقیب یك سیاست صحیح در مورد بیمه های اجتماعی امکانات آن بوجود میآید که نه تنها بااستفاده‌از وجوه اجتماعی سطح زندگی کار گران پیوسته ارتقاء یابد ، بلکه سویه‌های زندگی اقشار مختلف زحمتکشان بالنسبه همطراز گردد.

طبقه جوان کار گر افغانستان به پیشآهنگی تمام خلق‌کار گر کشور باید توأم بامبارزه برای‌ایجاداتحادیه های کار گری زمینه تامین بیمه‌های اجتماعی را مطابق به موازین و پرنسیپ های‌اصولی ودموکراتیك‌آن (که در شماره آینده طرح‌می گردد) تدارك به بینند .

از (ص اول)

وزیر پلان چه‌میگوید ...

حقیقت است که حکومات وقت توسعهٔ معارف را تشویق نکرده اند واینکه گفته میشود تعداد متعلمین پس از مدتی دو چند شده است ، (ارائهٔ چنین ارقام در شرایط‌کشور های عقب مانده ، بیشتر ماهیت عوامفریبانه دارد) ، همیشه بمعنی آن نیست که‌کار بزرگی انجام گردیده باشد .بطور مثال : هر گاه دریکی ازولایات کشور علاوه بر موجودیت یك مکتب متوسطه ، یك متوسطهٔ دیگر تاسیس گردد وآنگاه ادعا شودکه تعداد مکاتب متوسطه درآن ولایت دو چند شده است ، آیا میتواند نمایندگی از توسعهٔ سریع معارف نماید ،در حالیکه حد اقل در ولایت مربوط شاید ده ها مکتب متوسطه ضرورت باشد ؟

این‌امر صحیح است که در چوکات پروژه های بزرگ پلان دوم یکتعداد زیاد کار گر ماهر تربیه گردیده است ، اما سوال جدی درینجا ست که سرنوشت‌این لشکر کار گران ماهر که اکنون بیکار اند چه‌میشود ؟آیا «پروژه های سریع‌ـ الثمر اقتصادی » شما میتواند اینهمه نیروکار مساعد ذخیره راجذب کند؟

از (ص اول)

وضع تولید غله و...

آمد ...» بلی ! در برابر قیمت های احتکاری خیلی بلند غله که بدلخواه ملاکین بزرگ فئودال ، سودخواران ومحتکرین دلال تعیین میگردد ، حکومت نه‌تنها قیمت ها را بطورموثر کنترول نمینماید ، بلکه خود نیزازین قیمت‌های احتکاری تبعیت کرده و بهترین طریق افزایش در حاصلات پخته را ، افزایش در قیمت خرید پخته دانسته است . چنانچه‌درکتاب پیشرفت پلان برای سال ٤٦ گفته میشود : « در قیمت پنبه برای زارعین در حدود ٤٠ فیصد و در قیمت پشم و قره‌قل ١٠ فیصدازدیاد تعیین شده است تا بدینترتیب مواد صادراتی زراعتی با حبوبات غذائی رقابت کرده بتواند و طوریکه درسال ١٣٤٦ واقع شد صادرات این اقلام تنزیل نه‌نماید» .

نتایج نشان میدهد که واقعیت غیر ازین است ، زیرا اولا قسمت اعظم این عاید اضافی از طریق افزایش در قیمت پخته خام نه‌تنها بدست دهقانان نمیرسد ، زیرااثمرهٔ کار آنها را عمدتاً زمینداران بزرگ، سودخواران و چلابان بغارت میبرند ودر برابر ، دهقانان مجبور خواهند بود که قیمت های بلندتر برای مایحتاج خویش به‌پردازند ، بلکه‌این امر مشکلاتی را برای صادرات پخته وتاثیر آن بر تولیدات نساجی نخی بار میآورد که باز هم مستهلکین ـ مردم آنرا خواهند پرداخت و ثانیاً هرگاه به اینوسیله در محصول‌پخته تاحدودی افزایش بعمل آید ، به اینمعنی خواهد بود که قسمتی از اراضی تحت زرع گندم وسایرغلجات وحبوبات تیل دار ، اکنون برای کشت پنبه تخصیص داده میشود و این امر تاثیر معکوس بر تولیدغله وبخصوص گندم دارد که در نتیجه موجب قلت و افزایش بیشتر قیمت آن میگردد .

وزارت زراعت‌باتمام عرض‌وطول، مصارف بزرگ ، تبلیغات وسیع ، تخصیص بهترین زمینهای زراعتی بنام فارمهای تجربوی و تحقیقاتی که دارای وسائل کافی میباشد ، اما ازآنها بیشتر استفادهٔ شخصی بعمل میآید = عوض آنکه حد اقل وسائل وطرقی را از قبیل پیداکردن وتعمیم انواع جدید پنبه دانه بذری دارای حاصلات زیاد ، بکار بردن اصول اگروتکنیک ، سیستم معقول آبیاری وتطبیق صحیح کود ، رهنمائی‌صحیح دهقانان به اصول زراعت وغیره وسائل ضروری را بکار برد تا حاصلدهی فی‌واحد زمین تحت‌کشت پخته افزایش یابد ، به چنین وسیله ساده وغیر موثر بغرض دفع‌الوقت دست میزنند .

درچنین وضعی که دهقانان باقلبه‌های‌چوبی ، پارچه های کوچك‌زمین راکشت مینمایند و به ازدیاد محصول ، از آنجائیکه بر اساس سیستم مالکیت ارضی حاصل کارو دسترنج شان بخود آنها تعلق نمیگیرد ، نمیتوانند علاقمند گردند، وسائل و امکانات استفاده ازسیستم‌های معقول وعصری زراعت میسر نیست ، طبیعی است که حاصلات فی‌جریب در سطح نازلی قرارمیگیرد. درسال ١٣٤٦ از مجموع اراضی تحت زرع که ٥٥ هزار هکتار زمین بودفقط ٥٧ هزار تن پنبه بدست آمده است ، یعنی از قرار فی‌جریب در حدود ٢٠٠ کیلو گرام واین پائینترین سطح حاصلدهی فی‌جریب زمین است در حالیکه در کشور های دیگر تقریباً باعین شرایط جوی و اقلیمی ، ترکیب خاك وغیره اما در شرایط اجتماعی و اقتصادی دیگری فی‌جریب زمین ٦٠٠ ـ الی ٨٠٠ کیلوگرام پنبه باجنسیت اعلی‌حاصل میدهد .

در خاتمه یکبار دیگر اظهارمیداریم (طوریکه در بارهٔ مسألهٔ ارضی قبلا درپرچم تحلیلاتی صورت گرفته و راه های حل علمی‌آن‌نشان داده‌شده است) تانظام اجتماعی ـ اقتصادی موجود کشور ملغی نگردد وسیستم منسوخ کنونی در زمینه ارضی ریشه‌کن نشود و اصلاحات اساسی وعمیق ارضی بنفع دهقانان و به اشتراك آنان ، بر مبنای جنبش دهقانی اجراء نگردد و تکنیك جدید زراعتی معمول نشود ، بشیوهٔ‌کنونی هیچگونه امیدی برای ارتقای‌تولیدات زراعتی براه نمیشود.

(دلوړی مخ پاتی)

دوحدت او اتحاد تأمین ...

کړیده چه دترقی غوښتونکو او وطنپالونکو ،ملی او د موکراتیکو قوتونو یعنی(دخلکو ددوستانو)اتحاد او وحدت مستقیماً متناسب دی دهغوی (دخلکو ددښمنانو) له‌طرد او اضمحلال سره.

مگر دملی اواجتماعی آزادی بخښونکو نهضتونو د تاریخ تجربه ښیی چه‌ستر هدف ته رسیدل یعنی په هیواد کی دستمگر او استثمار گر نظام‌پای‌ته‌رسول دترقی‌غوښتونکو او وطنپالونکو قوتونو دوحدت او اتحاد عنصر ته ضرورت لری. خوله بده مرغه دمبارزی ددی پرمختلونکو قوتونو دوحدت او اتحاد کارزموږ په هیوادکی،دنهضت داوسنی‌مرحلی په سرکی په کلك بحران اخته شوی دی. اوداددی لپاره چه دهیواد ترقی غوښتونکی وطنپالونکی قوتونه ددی پرځای‌چه ستروملی او اجتماعی هدفونوته درسیدو لپاره د اشتراك پر وجوهو تکیه وکړی اوپه اوسنیو اوضاعو او احوالو کی دوحدت او اتحاد چاره مقدمه وشمیری، زیاتره دافتراق اونفاق وجوه په نظر کی نیسی او دعمل وحدت نفی کوی.

په‌لوړ آواز اعلام کیږی چه:باید دی حیاتی‌او مهمی‌نکتی ته‌ژوره توجه وشی چه د ارتجاعی قوتونو دناخاپی یرغل اوتعرض دواقعی خطر په‌مقابل کی، بی اعتنایی چه هره شیبه د ربښتینو ملی اودموکراتیکو قوتونو په مقابل کی مقدور دی ډیره ستره اشتباه ده.

لویه بدبختی داده چه‌دنهضت اوسنی انکشافات څومره چه دترقی غوښتونکو اووطنپالونکو قوتونو تر مینځ نفاق او افتراق را پیدا کړیدی ددی په‌خلاف یی دحاکمه ارتجاعی طبقاتو ترمینځ دوحدت او اتحادزمینه پیاوړی کړیده. بایدوویل‌شی دحاکمه قدرت دناخاپی حملی خطر، له یوی خوا دخلکو ددوستانو دهمدی افتراق او نفاق له کبله اوله بلی خوا دخلکو ددښمنانو (ارتجاع او امپریالیزم) داتحاد اوزیاتیدونکی هوښیاری له کبله او ددی لپاره چه ورځ ترورځی دنهضت دضد تاکتیکونو په تجربو تجهیز کیږی ، ډیر زیات شویدی.

ددی نفاق او افتراق مسلمه او طبیعی نتیجه داده چه خلکوته ضرر رسیږی اودخلکو دښمنان گټه کوی. ددی لپاره چه ددی نتیجی د تحقق واقعی علت له‌مینځه لاړشی، ضرورت حکم کوی چه باید ژر تر ژره‌داوسنی افتراق او نفاق په بحران برشو او وحدت او اتحاد تأمین کړو.

دافغانستان دخلك‌دموکراتیك‌قوت په مبارزه کی دخپلی سختی ولی‌ویاړ جنبی وظیفی څخه ،دوحدت او اتحاد دتأمین په خاطردنرمی منونکو اصولو په چوکاټ‌کی‌خبردی اوله ټولووحدت غلبو او اتحاد غوښتونکو قوتونو سره به په شجاعت اوزړورتیا اوله اصولی گذشت سره یوځای خپل سهم پدی زمینه کی ایفا کړی.

موږ کلك ایمان لرو چه کیدی‌شی دملی اوولسی جرگو په توگه، دیو افغانی وحدت او اتحاد ترمیز را وخرخیږی اودگډووجوهودپیداکیدو، دحد اقل مشترك پروگرام دطرحی له لاری اودارتجاع، استبداد استعمار اوامپریالیزم پرضد دمشرك عمل اووحدت‌عمل په‌وسیله‌دنفاق او افتراق په بحران باندی بری میسر شی.

* * *

یاد داشت :

گران لوستونکی دی‌دپرچم‌متعددو گڼو ته چه د ترقی غوښتونکو او وطنپالونکو ملی اودموکراتیکو قوتونو دوحدت اواتحاد دضرورت په باره کی یی په مستقیمه اوغیر مستقیمه توگه په‌لس هاوو مقالی لیکلی دی، مراجعه وکړی. موږ به‌بیا هم دپورتنیو قوتونودوحدت او اتحاد په خاطر خپل‌علمی اومشخص‌بحثونه تعقیب کړو.

درد دل مردم

یك نامهٔ سرگشاده

ازمامورین وزارت زراعت

«بجریده موقر پرچم !

از آنجاکه طرز برخورد واقع‌بینانهٔ پرچم باوقایع‌وحوادث‌بی شماردداخلی وبین‌المللی ، تحلیل‌ونتیجه گیری‌های درست آن ازین‌وقایع‌وحوادث، مبارزهٔ پیگیر وبی امانش با دشمنان خلقهای زحمتکش افغانستان، دفاع دلیرانهٔ آن از منافع‌ملی کشور عزیز، خصوصیت آشتی ناپذیری‌اش با ستمگران‌داخلی واستعمارچیان‌کهنه ونو، دفاع سر سختانه آن از حق وعدالت‌وبالاخره‌پیکارخستگی‌ناپذیرش در راه تامین دموکراسی، رفاه‌عمومی استقلال و اقعی، ترقی وصلح بر ما مسلم گردانیده است که پرچم واقعاً ناشر اندیشه های دموکراتیك خلق افغانستان ووارث بالاستحقاق سنن پر افتخار مبارزات طولانی فرزندان رشید این مرز وبوم مرد خیزمیباشد.

بنابر آن ما(یکتعداد مامورین‌پایان رتبهٔ وزارت زراعت وآبیاری) لازم دانستیم که مطلب آتی را به صورت خیلی مختصر در قید تحریر آورده به آن جریدهٔ محترم بفرستیم .

به تعقیب وقوع حریق مدهش و غیر مترقبه در کاخ‌تاریخی دارالامان مقامات حکومتی افغانستان به عقیدهٔ خود گویا تصمیم گرفته اند که دیگر آتش سوزی را در کلیه‌ابنیهٔ تاریخی (اگر باقی مانده‌باشد) وعمارات‌دولتی موقوف (!) سازند. البته که این تصمیم حکومت ازلحاظ شکل«عاقلانه» محسوب میگردد و ما به آن اعتراضی نداریم و اما شکل تطبیق این فیصله وتصمیم از طرف مقامات ذیصلاح وزارت زراعت وآبیاری در محوطهٔ وزارت مذکور قابل توجه میباشد .

وزارت زراعت وآبیاری مطابق به‌تعمیم مقام‌بالا، مکتوب‌متحدالمالی عنوانی کلیه ریاست خانه ها صادر و در آن اکیداً متذکر شده اند که برای حفظ عمارات وزارت زراعت هر شب سه نفر مامور (نوکر یوال) به ترتیب تعیین و این سه نفر موظف کردند تاشب‌را بداخل وزارت سر آورده، مانع وقوع حریق احتمالی و حوادث ناگوار وغیره (!) گردند .

این تجویز وزارت زراعت وآبیاری عملی نیست زیرا: دفاتر و ملحقات وزارت زراعت وآبیاری مشتمل بر بیست الی سی عمارت یك الی چهار طبقه یی میباشد که جدا از هم، در هر کنج‌وکنار واقع‌گردیده‌اند، باین ترتیب که‌عمارات وزارت موصوف از حدود مشترك پوهنتون وشفا خانهٔ علی‌آباد تاساختمانهای (جمال‌مینه) را اشغال کرده است که کثرت ساختمانها از یکطرف وطرز وقوع نا منظم آنها از جانب دیگر هر بیننده را در نگاه اول گیج وسر در گم می سازد. این ساختمانهاکه اکثر بدون نقشهٔ دقیق اعمار گردیده اند، از نظر تعداد وطرز وقوع نا منظم شان در ساحهٔ تعمیر سازی (کوبیسم) خاصی رابوجود آورده اند .

گذشته از آن محوطهٔ متعلق به وزارت زراعت وآبیاری، محوطه‌ایست بی در وپیکر که صرف نظر از بعضی نقاط آن، عبور از سایر قسمت‌ها کار چندان مشکلی نمی باشد.

اکنون قضاوت بشما : آیا سه نفر نوکریوال ولوهم بسیار«تندرست»و «تندرو» باشند بازهم‌خواهند‌توانست که مانعی در برابر وقوع حریق و سرقت ایجاد نمایند ؟زیرا ازیکسو وسعت ساحهٔ وزارت که دهاجریب زمین را احتوا میکند و از سوی دیگر پراگندگی بیش از حد عمارات، نظارت وپهره داری دقیق‌را مشکل وحتی نا ممکن می سازد .

روشن است اگر نوکریوال نتواند (نه‌تنها سه‌نفر بلکه بیشتر ازسه‌نفر نیز) ساختمانها را دقیقاً کنترول و نظارت نماید، پس‌درین‌صورت نه‌وقوع حریق ونه وقوع سرقت هیچکدام منتفی نمیگردد، بلکه یگانه چیز یکه منتفی میگردد وبایدهم‌گردد، موضوع نوکریوالی خواهد بود وبس .

سوالیکه درینجا باید مطرح گردد اینست که چرا اراکین وزارت زراعت وآبیاری دست به‌چنین‌اقدام زده‌اند؟ جواب این سوال را میتوان بیك جمله خلاصه کرد: رفع مسؤولیت از خود وافگندن آن بدوش مامورین فقیر و پایان رتبه .

این موضوع را همهٔ مامورین درك مینمایند که تحمیل نوکریوالی شب بالای آنان نه تنها غیرقانونی بلکه یك امر فوق‌العاده خطرناك و پر مسؤولیت میباشد .

جنبهٔ حقوقی مسأله کاملا روشن است وحاجت‌به توضیح مزید ندارد. درینمورد کافیست گفته شود که مامورین ملکی در برابر معاش معین، وظایف معینی را، که‌قانون آغازوانجام آنرا مطابق فصول سال صراحةً‌تعیین میدارد، اجراء مینمایند. در بعضی موارد خاص مثلا اگر کار یك شعبه ویایك واحداداری‌عقب میماند،مامورین آنرا درمقابل پرداخت حق‌العمل‌معین به (شبکاری) دعوت مینمایند و مبلغ معین شبکاری‌را برایشان میپردازند، در غیر آن‌مامورین ملکی بعد از ختم ساعت رسمی کار درینمورد ازهرنوع مسؤولیت مبری هستند .

ناگفته نماند که چه این پیشنهاد قبول وچه ردگردد، ولی ما بصدای بلندمیگوییم که‌این اقدام‌وزارت‌زراعت وآبیاری (!) مخالف قانون وغیرطبیعی است!زیرا وظیفهٔ امنیت به عهدهٔ وزارت داخله است که ملیونها افغانی دسترنج مردم به‌نام بودجهٔ آن ودهها شبکهٔ‌دیگر مخالف منافع خلق بهدر صرف میگردد.

* * *

مردم‌علیه بیگارفریاد میکشند :

چندی قبل والی جوزجان باعده‌ئی از متنفذین ولایت جوزجان مجلسی ترتیب و اعلان کردند که اهالی شبرغان(!) سرك شبرغان رابصورت همکاری (!) ترمیم میکنند، یکی از دوستان بما نوشته است که:«خلاف قانون اساسی‌عمل‌میکنندوباابتکاریکه خاصهٔ‌بیروکراتان است نام«بیگار» را «همکاری »میگزارند وباکی ازروز باز خواست ندارند .»

قرار معلوم اهالی شبرغان فریاد میزنند: «ما بیگار راقبول نداریم!» اما تاکنون بیداد بر فریاد غلبه دارد ووعدهٔ چند تن «چکمن‌سپید» که خود از هر گونه کار اجباری‌معافند، درنزد بیروکراتان معنای «قبول» مردم‌را دارد .

* * *

دربرابر دهقانان

دسیسه میکنند:

در اثر فشار و مطالبهٔ طولانی دهقانان، دولت قیمت پخته رابرای سال جاری از (٥٠) افغانی به (٧٣) افغانی بالا برد، یعنی شرکت های صادر کنندهٔ پخته مکلف شدند تا در برابر یکسیر پخته سورت اعلی(٧٣) افغانی بپردازند. یکی از زارعین پخته کار شبرغان درین مورد نوشته است: «تاامروز (٣جدی)در نمایندگی های سه شرکت بزرگ پولی‌بمنظور خریداری پخته نرسیده است. تمام خریداری شرکت ها که قبل برین صورت گرفته ازسه‌صد هزار افغانی تجاوز نمی کند.این‌خریداری بتناسب سالهای گذشته خیلی وخیلی نا چیز است. معنای نه خریدن پخته آنست که دهقانان کم زمین و اجاره داران بی زمین در اثر فقدان تقاضا حاضر خواهند شد که پخته رابه همان‌قیمت گذشته عرضه کنند.»

پرچم: اینست معنای اصلاحات طبقات حاکمه (!)

* * *

فقدان پترول مصالح مردم

رابخطر انداخته است :

دوستی از ولایت جوزجان نوشته میکند: «قلت شدید پترول و دیزل‌در تانکهای ولایت‌جوزجان باعث‌مشکلات زیادی برای مردم گردیده است.» او این مشکلات را چنین شمرده است:

«ـ کرایه‌های موتر که‌قبل‌برین از (٥) الی (١٠) افغانی بود، اکنون به ٤٥ افغانی رسیده است وبصورت مشخص کرایه موتر از شبرغان‌الی مزار شریف که قبلا (٦٠ـ٧٠)افغانی بود، اکنون به ١٥٠ـ٢٠٠ و اخیراً به ٣٠٠ـ افغانی رسیده است .

ـچون ماشین تولید برق شبرغان بادیزل کار میکند،برق شهر قطع‌شده و اهالی در تاریکی مانده اند .»

-۲-

اسناد شورای صلح جهانی

فیصله‌شورای جهانی صلح راجع به شرق میانه

این حقیقت که امپریالستها مجبور شدند بمباران خودرا بر جمهوری دموکراتیک ویتنام قطع نمایند و بوجود جبهه آزادی ملی ویتنام جنوبی اعتراف کنند و آنرابشناسند، پیروزی بزرگی برای نیرو های‌صلح بشمار می رود . ولی اوضاع‌درشرق میانه روبه خرابی می گراید ونشان میدهد که این پیروزی معنی آنرا ندارد که امپریالیستها از سیاست تجاوز دست بردار شده اند . بلکه برعکس آنها به ستراتژی خود که مقصد آن افزایش کشیدگی در دیگر حصص جهان وبوجود آوردن تصادمات محلی میباشد ، کماکان ادامه میدهند .

آنها تلاشهای خود را در راه مختنق ساختن جنبش آزادیبخش اعراب و بکار بردن اسرائیل‌بحیث آله اجرای این مقصد ، تعقیب می‌نمایند . از همین جهت است که ایالات متحده امریکا و آلمان غرب کمك های نظامی واقتصادی شانرا پیوسته به اسرائیل زیاد میکنند . المان غرب اسرائیل‌را در مساعی‌اش برای ساختن یك سلاح اتومی فعالانه معاونت‌می نماید ویا درنظر داشتن همین‌سلاح است‌که اسرائیل از امضای قرار داد منع انتشار اسلحه ذروی سرباز میزند وباین صورت نیات متعرضانه خودرا هرچه بیشتر به اثبات می رساند . کیفیت اسلحه جدیدیکه برای اسرائیل‌تهیه گردیده پرده ازروی نقشه‌ئی بر می دارد که هدف آن تخریب مراکز صنعتی ، مناطق پر نفوس و تمام آنچه‌راکه کشورهای عربی بعد از احراز استقلال بدست آورده‌اند، میباشد .

حکومت اسرائیل از پذیرفتن نماینده ملل متحد بمنظور تحقیق شرایط اعراب‌در مناطق تحت‌اشغال، که بطور روز افزون مورد ستم قرار می گیرند ،امتناع می ورزد .

بیانات رهبران‌اسرائیل وهمچنان اعمالیکه از آنها سرمی زند ،خطریرا که از ناحیه اسرائیل وجود دارد بخوبی آشکار می سازد . اسرائیل پیوسته مرتکب تجاوز می شود . باید نیرو های صلح جهان از چنین تجاوزات جلو گیری‌نمایند و فعالیت شانرا در راه از بین‌بردن آثارتجاوز ماه جون ١٩٦٧ توسعه دهند .

دول عربی که به تاریخ ٥ جون ١٩٦٧ مورد تعرض اسرائیل واقع شدند، همواره به مساعی شان در راه از بین بردن آثار تجاوز ادامه میدهند.

مبارزه سیاسی‌و مبارزه مسلحانه در مناطق اشغال شده افزایش می‌یابد وبه‌عامل موثری در این منطقه تبدیل می شود . جنبش مقاومت اعراب فلسطین بخشی از جنبش عمومی آزادی بخش ملی ضد امپریالستی ، ضد تبعیض نژادی و ضد تجاوز میباشد که جنبش‌مقاومت ضد نازیزم را بیاد می آورد .ذهنیت عامه بطور روزافزون سیاست صیهونی حکمروایان اسرائیل را که به امپریالیزم خدمت می نمایند محکوم می کند ،وی در عین زمان به هیچ صورت سیاست صیهونی را با یهودیان از نظرمذهب و مبداء یکی نمی داند .

فیصله ٢٢ نومبر ١٩٦٧ شورای امنیت که‌به اتفاق آراء به‌تصویب رسید یگانه راه حل ممکن سیاسی بحران شرق میانه را نشان میدهد . فیصله نامه شورای امنیت بیرون کشیدن عساکر اسرائیل را از تمام مناطق اشغال شده تقاضا میکند و تضمیناتی را برای‌حفظ حقوق‌وامنیت تمام‌ملتهاودول‌این‌منطقه تهیه‌میبیند. فیصله نامه شورای امنیت حقوق مشروع مردم فلسطین را برسمیت می شناسد و اصرار میکند که‌باید پرابلم مهاجرین فلسطین بطور عادلانه حل گردد . دول عربی موافقت شانرا باین فیصله شورای امنیت اظهارداشتند. از جانب دیگر اسرائیل از اجرای این فیصله نامه شورای امنیت وهم از فیصله ملل متحد راجع به بیت المقدس ابا می ورزد وباین صورت‌شرق‌میانه را باجنگ‌جدیدیکه امکان دارد صلح جهان رابه خطر اندازد ، تهدید می کند .

اشغال دوامدار مناطق مربوط به اعراب ازطرف‌اسرائیل منافع‌بسیاری ازکشور هائی راکه اقتصادیات‌شان باکانال سویز ارتباطدارد و سیاست اسرائیل مانع باز شدن مجدد آنها میگردد متضرر می‌سازد.

کمیتهٔ رئیسه شورای جهانی‌صلح که از١١ تا ١٣نومبر ١٩٦٨درلاهیتی واقع فنلند تشکیل‌جلسه داد از تمام مردم صلحدوست جهان در خواست می نماید که مساعی شانرا در راه تشریح حقایق راجع به وضعیت شرق میانه وچگونگی ارتباط آن با ستراتیژی امپریالیزم افزایش بخشند وبه خلقهای عرب‌در مبارزه عادلانه شان کمك نمایند وافکارعامه جهان را به پشتیبانی از خواست خاص ذیل متحد سازند :

ـ در مرحله اول اجرای فیصله نامه ٢٢ نومبر١٩٦٧ ، عقب کشیدن عساکر اسرائیل از مناطق تحت اشغال.

شورای جهانی صلح ،با در نظر داشتن تمام حقایق فوق الذکر و جستجوی مساعی موثرتر بغرض دریافت حل‌صلحجویانه بحران‌شرق میانه ، پشتیبانی خودرا ازدایرشدن کنفرانس بین المللی دوم ، بغرض حمایت از ملتهای عربی که از ٢٥ـ ٢٨ جنوری ١٩٦٩ در قاهره انعقاد می یابد اعلان می دارد و دایرشدن این کنفرانس را وسیله‌ئی جهت سوق دادن وسیع ترین بخش های افکار عامهٔ جهان در جهت پشتیبانی مردم عرب وحقوق‌آنها و پیدا نمودن راه حل صلحجویانه و عادلانه می‌پندارد .

تقاضای شورای جهانی صلح از اسامبله جهانی صلح

سال ١٩٦٩ مصادف با بیستمین سالگرد تاسیس جنبش جهانی‌صلح میباشد .افریدریك‌ژولیو کوری‌رئیس موسس جنبش جهانی صلح اعلان نمود :« هیچ ملتی ، هیچ فردی نمیتواند به‌تنهائی ازجنگ جلوگیری نماید .تنهامردمان‌تمام‌ملتهامیتوانند باعمل دستجمعی خود این مقصد را بدست آورند .»

ما بیست‌سال قبل اصول اساسی این جنبش را که بار ها تائید شده طرح نمودیم .

اصول مذکور عبارت انداز :

ـمنع قرار دادن‌تمام اسلحه دارای قدرت تخریبی کتلوی‌و خاتمه دادن به مسابقه تسلیحاتی ، از بین بردن پایگاهای خارجی ، خلع سلاح عمومی همزمان و تحت کنترول ؛

ـامحای همه‌اشکال استعمار و تبعیض نژادی؛

ـ احترام به حق حاکمیت و استقلال ملتها، بحیث‌یك امرضروری برای استقرار صلح ؛

ـ احترام به‌تمامیت‌ارضی‌دولتها ؛

ـ عدم مداخله درامور داخلی ملتها ؛

ـ استقرار مناسبات متقابل مفید در ساحات تجارتی و فرهنگی مبنی بر دوستی و احترام متقابل ؛

ـ همزیستی مسالمت آمیز بین دولتهای دارای سیستم های‌سیاسی مختلف ؛

(ص٤)

از(ص ۲)

هنر و نقش آن در زندگی ...

را، که دیگر تغییر کرده ودرست در جهت مخالف منافع طبقهٔ حاکمه درحال زوال سیر میکند ، بدرستی انعکاس دهد، لذا بیماراست، مگر بزودی نمی‌میرد وبرای بقای خویش ودفاع از منافع طبقهٔ حاکمه، در برابر رشدسرسام آور وآهنگ سریع تسلط طبقه جدید ، با استفاده ازکلیه وسایل تاثیر ایدئولوژیکی که‌در اختیار دارد مانند :مطبوعات، تیاتر، سینما ، رادیو ، تلویزیون وغیره براه زنی‌وسم‌پاشی‌می‌پردازد. واقعیات راتحریف‌میکند ، آرایشگر آن میشود وبر آن پیرایه‌های‌فریبنده می‌بندد، دروغگو،لاف‌زن، سالوس ، متصنع ، هوسباز،ثناخوان ومدیحه‌سرا، سفسطه‌ساز وتوهم پرست و گمراه کننده می شود . به‌ناموس تکامل ارجی نمی نهد ، «دیدشخصی هنرمند» و«آزادی هنر مند»را**مطلق** میکند ودر برابر آن‌به «وصف‌عینی واقعیت » و«نظارت اجتماعی»در هنر مجنونانه‌پشت پا می زند ، تاتوانسته باشد طبقات محکوم‌واستثمارشونده، ولی‌محرکین واقعی تکامل زندگانی اجتماعی راازنظرایدئولوژیکی خلع سلاح کند و توجه‌واحترام آنانرا از وظایف انقلابی و نیروی عصرآفرین ودورانساز طبقهٔ شان که‌واقعیتست سرسخت وانکار نا پذیر،به انعکاس غیر عادی وتحریف شده واقعیت، توهم وفرد پرستی معطوف سازد وبالاخره باایجاد و نضج عنصر وهم وخیالپروری ،خودخواهی وتجمل ـ پسندی ، هوسبازی وهر دم خیالی درایشان ، از اتحاد و مبارزهٔ آنان دربرابر طبقات حاکمه تاریخزده و استثمار گر جلو گیری بعمل آورد. چنانکه همین اکنون هنر ارتجاعی بورژوائی که از حرکت در جهت تکامل عینی زندگانی اجتماعی باز مانده،در موضع‌خدمت باستحکام پایه های لرزان نظام متزلزل امپریالیستی توقف کرده است ومذبوحانه تلاش میورزد روحیهٔ اتحاد ونیروی مبارزه طبقهٔ کارگرو خلق زحمت کش را در درون‌جوامع سرمایه داری خفه کند واعتماد آنها را نسبت برحمت کشان‌کشور های دیگر تضعیف نماید، صفات نکوهیده و عدم‌احترام بمنافع [illegible] توده ها را درآنان برانگیزد .

باوجود این ، در انبوه‌پدیده ها ی هنری هر دوره ،در جوامع طبقاتی میتوان به‌آثار فنانا پذیری بر خورد که از لحاظ مضمون خود میتوانند خصوصیات جاودانی ومتعلق بتمام بشریت راکه در دورانهای مختلف حیات‌اجتماعی‌جزءهستی‌انسانهاست، بدرستی وروشنی منعکس‌سازد. آثاری وجوددارد که‌با مطالعهٔ آنها میتوان ماهیت دورانها و طبقات مختلف رادرك کرد مانند : حجاریها ومجسمه سازیهای یونان باستان، شهکار های نقاشی دوران رنسانس اروپا و...که قرنهاست در گنجینهٔ فرهنگ بشری مقام ارزندهٔ خودرا حفظ کرده اند .

بهترین وپیگیرترین‌حافظ وتکامل دهندهٔ میراث معنوی گذشته ، طبقهٔ پیشتاز کارگر است که منافع آن‌با جریان تکامل عینی واقعیت کاملا انطباق دارد وباایجاد ایدئولوژی واز آنجمله هنر خویش ، نه تنها دستاوردهای گذشته فکر بشری را مردود نمی شمارد ، بلکه آنراپایه‌و اساس تکامل هنر خود قرارمیدهد وبابرخورد نقادانه بآن،عناصرزنده وفعال ، متحرك وبامتن آنرا بخدمت غنا وانکشاف‌پدیده‌های هنری دوران خود/می گمارد و تمام آنچه‌راکه از گذشته‌زیبا ومترقیست در خود حفظ میکند .درهمین‌جاست‌که پهلوی دیگر و مثبت **استقلال نسبی** هنر بهتر از هر دورهٔ دیگرمتبارز میگردد وآن **ادامه‌کاری** وتکامل آنست.

جهت دیگر و خیلی هم متحرکتر استقلال نسبی هنر درا ینست که درشرایط معینی میتواند بر تکامل زندگانی اجتماعی **سبقت** جوید . این :نتیجه کار دقیق هنر مندژرف‌کاو وژرف اندیشی است که وظیفهٔ خویش رادر قبال حیات اجتماعی بدرستی درك کرده است وهنرش جامعه رادر مسیر آینده تکامل ، بسوی افقهای وسیع وپرفروغی که برای اشخاص عادی قابل رؤیت نیست فرا میخوانند ، هنر مند یکه قانونمندی تکامل طبیعت و جامعه را دقیقاً درك کرده است و آینده انسانرا براساس این درك ،وتسلط بر قوانین طبیعت وجامعه د رجهات عمومی تکامل تاریخی بروشنی و صداقت، زیبا و ظریف تصویر وتمثیل میکند وهمه راباگرمی ومحبت ، صمیمانه بسوی آن دعوت مینماید .

واما :

هنرمند در جامعهٔ طبقاتی وقتی میتواند بچنین سلاح نیرو مند و قدرت محرکهٔ خلاق مجهز شود که جهانبینی‌علمی‌متحرکترین‌وپیشروترین نیروی اجتماعی ،یعنی طبقهٔ کار گر وخلق زحمت کش را محك احساس ورهنمای اندیشهٔ خویش قرار دهد وبجهان وواقعیتها ی عینی آن از نظر گاه ایدئولوژی‌این طبقهٔ‌جهانساز نگاه کند،آنرا عمیقانه‌ودرست‌انعکاس دهد.هنرش باخلق کار گرو کار وزندگی اورابطه ئی نا گسستنی و اورگانیک برقرارنماید و در جهت منافع طبقهٔ کارگروتمام زحمت‌کشان ،موضعگیری استوار وخلل نا پذیری داشته باشد واز گنجینه ها ی هنری گذشته ، آنچه عالی و مترقیست برگزیند واینهمه راباسنتهای مترقی فرهنگ بشری و قریحت و ذوق ایجادگر و نو آفرین‌خویش ترکیب وبجامعه تقدیم کند .آنگاه میتواند باغرور سالم یك هنرمند پیشرو وبجرأت ادعا نماید که هنرش‌خلاق وپیشآهنگ وسازنده است ،بخلق تعلق دارد وریشه های عمیقش از قلب توده‌های وسیع‌زحمت کشان‌آب میخورد ، برای توده ها قابل درك ومحبوب است ، احساس ، فکر و ارادهٔ توده‌هارا متحد ساخته‌وآنها را بدرجه بالاتری ارتقا میدهد .

این بود تألیفی بس فشرده و ارتجالی از نظرات علمی مترقی، دربارهٔ هنر و نقش آن در زندگی ومبارزهٔ اجتماعی ، بر مبنای جهان‌بینی علمی . امید است در آینده مبتنی برین مقدمه، که برای درك مسایل اجتماعی‌هنرضروری شمرده میشود، ازنابسامانی هنر در کشور خویش وعوامل اجتماعی آن سخن گوئیم